

ضرورت استقلال کارگران



اعتصاب کارگران نفت در تابستان ۱۴۰۰

ترجمه ای از صدای انترناسیونالیستی

جریان کمونیست بین المللی



اعتراضات گسترده در ایران ممکن است با قتل یک زن جوان به دلیل بدحجابی در بازداشتگاه گشت ارشاد رژیم آغاز شده باشد، ولی اعتراضات در اصل نارضایتی بسیار عمیق کل مردم ایران را ابراز می کند چنانچه صدها هزار نفر به کف خیابان سرازیر شده اند و در تقابل با پلیس هستند. علاوه بر انزجار عمومی از ظلم آشکار و سرکوب زنان با توسل به قوانین جمهوری اسلامی، این اعتراضات واکنشی به تورم فزاینده و کمبودهای ناشی از تحریم های غرب علیه ایران است که با تمام قدرت، با وزن سنگین و طولانی مدت اقتصاد جنگی تشدید شده و با تعقیب بی وقفه جاه طلبی های امپریالیستی ایران متورم تر گردیده است. این اعتراضات همچنین واکنشی به فساد کثیف قشر حاکم هست که تنها از طریق سرکوب وحشیانه علیه همه اشکال اعتراضی از جمله مقاومت طبقه کارگر در برابر انجماد دستمزدها و شرایط اسفبار کار، می تواند تداوم خود را حفظ کنند. مجلس ایران به تازگی قوانین جدیدی را تصویب کرده است که اعدام را برای جرایم «سیاسی» مجاز می داند و صدها و اگر نگوییم هزاران معترض توسط پلیس دولتی کشته یا زخمی شده اند و به طرز شگفت انگیزی و به اشتباه «پاسداران انقلاب» نامیده شده است.

این تکیه بر سرکوب مستقیم نشانه ضعف رژیم ملایان است نه قدرت آن. درست است که نتیجه فاجعه بار مداخلات ایالات متحده در خاورمیانه از سال ۲۰۰۱، تا کنون شکافی را ایجاد کرده است که به امپریالیسم ایران اجازه می دهد تا مهره های خود را در عراق، لبنان، یمن و سوریه جایگزین کند، اما ایالات متحده و متحدان قابل اعتمادتر آن (به ویژه بریتانیا) با کمک به ارتش عربستان سعودی در جنگ یمن دامن میزنند و تحریم های فلج

کننده ای را علیه ایران به بهانه مخالفت با سیاست توسعه تسلیحات هسته ای این کشور اعمال کرده‌اند. رژیم ایران به طور فزاینده‌ای منزوی شده است و این واقعیت که در حال حاضر پهپادهای خود را برای حمله به زیرساخت‌ها و غیرنظامیان در اوکراین در اختیار رو سیه قرار می‌دهد، تنها به درخواست‌های غرب برای برخورد با ایران، در کنار رو سیه، به عنوان یک کشور منفور، شدت می‌بخشد. رابطه ایران با چین دلیل دیگری است که چرا قدرت‌های غربی می‌خواهند این کشور را حتی بیش از آنچه که هست تضعیف کنند. و در عین حال، ما شاهد تلاش هماهنگ دولت‌های آمریکا و اروپای غربی برای ابزاری کردن اعتراض‌ها هستیم، به ویژه با استفاده از معروف‌ترین شعار اعتراضات، «زن، زندگی، آزادی»:

روزنامه فرانسوی لیبراسیون در ۲۵ سپتامبر ۲۰۲۲ در صفحه اول خود به زبان فارسی و فرانسوی شعار «زن، زندگی، آزادی» را همراه با عکسی از تظاهرات مزین کرد. در جریان سخنرانی درباره سرکوب معترضان در ایران، یکی از نمایندگان پارلمان اتحادیه اروپا در حالی که در صحن پارلمان اتحادیه اروپا عبارت «زن، زندگی، آزادی» را بیان می‌کرد موهای خود را کوتاه کرد.[۱] در این باره مثال‌های بسیار می‌توان زد.

با توجه به ضعف رژیم، از یک «انقلاب» جدید در ایران، به ویژه توسط چپ‌ها و انواع گوناگون آنارشیست‌ها صحبت‌های زیادی می‌شود آنارشیست‌ها از اقصای مختلف بسیاری هستند، به خصوص آنارشیست‌ها از «قیام فمینیستی» صحبت می‌کنند[۲] این در حالی است که جناح‌های جریان اصلی بورژوازی تاکید بر سرنگونی دموکراتیک و استقرار رژیم جدیدی که خصومت خود با ایالات متحده و متحدانش را کنار بگذارد، صحبت می‌کنند. اما همانطور که در پاسخ به کل رمز و راز «انقلاب» در سال‌های ۱۹۷۹-

۱۹۷۸ نوشتیم: «حوادث ایران تجلی کننده این واقعیت است که تنها انقلاب در دستور کار روز، در کشورهای عقب مانده و به همان اندازه در سایر نقاط جهان، انقلاب پرولتری است.» [۳]

برخلاف انقلاب ۱۹۱۷ روسیه که خود را بخشی از انقلاب جهانی می دانست، اعتراضات کنونی در ایران توسط طبقه کارگر مستقل هدایت نمی شود که در ارگان های متحد خود سازماندهی شده باشند و بتواند راهی به پیش برای اقشار و طبقات تحت ستم جامعه ارائه دهد. درست است که در سال های ۱۹۷۸-۱۹۷۹ ما شاهد اجمالی از پتانسیل طبقه کارگر برای ارائه چنین راهی به جلو بودیم: «احیای مجدد مبارزات کارگری در کشورهای مختلف، در امریکای لاتین، تونس، مصر، و غیره، اعتصاب کارگران ایران بزرگترین عنصر سیاسی بود که منجر به سرنگونی رژیم شاه شد. علیرغم بسیج توده ها، هنگامی که جنبش "مردمی" - تقریباً همه اقشار تحت ستم در ایران را سازماندهی کرد - شروع به تهي کردن خود کرد، ورود پرولتاریای ایران به مبارزه در آغاز ماه اکتبر سال ۱۹۷۸، به ویژه در صنعت نفت، مشکل تقریباً حل نشدنی را برای سرمایه ملی مطرح کرد» [۴]

و با این حال می دانیم که حتی در آن زمان طبقه کارگر از نظر سیاسی به اندازه کافی قوی نبود تا از ربودن نارضایتی توده ای توسط آخوندها که توسط انبوهی از چپ های «ضد امپریالیست» حمایت می شد جلوگیری کند. اگرچه مبارزه طبقاتی بین المللی از ماه مه ۶۸ در فرانسه وارد موج دوم جنبش های کارگری شد، اما به خودی خود با بالا بردن چشم انداز انقلاب پرولتاریا در مقیاس جهانی و کارگران در ایران - مانند کارگران لهستان یک سال بعد، برابری نکرد. در موقعیتی نبودند که به تنهایی آلترناتیو انقلابی را

راه اندازی کنند. بنابراین، این پرسش که چگونه می توان با سایر اقشار تحت ستم رابطه برقرار کرد، حل نشده باقی ماند. همانطور که بیانیه ما ادامه داد: «مواضع قاطع، گرفته شده توسط پرولتاریا در حوادث ایران یک مشکل اساسی را مطرح می کند که باید توسط طبقه کارگر حل شود، اگر قرار است انقلاب کمونیستی را با موفقیت انجام دهد. این مشکل در مرکز رابطه پرولتاریا با همه اقشار غیر استثمارگر، به خصوص کسانی که فاقد کار هستند، قرار می گیرد. این وقایع چیزهایی را نشان میدهد که به شرح زیر است:

- علیرغم تعداد زیاد آنها به لحاظ کمی، این اقشار از هیچ قدرت واقعی در جامعه برخوردار نیستند؛

- خیلی بیشتر از پرولتاریا، چنین اقشاری قابلیت پذیرش اشکال مختلفی از گجج سازی و کنترل سرمایه داری، از جمله از منسوخ ترین مسئله، مانند مذهب را دارا هستند؛

- اما به همان اندازه که بحران با خشونت طبقه کارگر را مورد اصابت قرار میدهد در همان حال چنین اقشاری را نیز مورد حمله قرار میدهد، آنها می توانند نیروئی در مبارزه علیه سرمایه باشند به شرط اینکه مبارزه توسط پرولتاریا تدارک دیده شده باشد و پرولتاریا خودش را در راس مبارزه قرار داده باشد؛

در مواجهه با همه تلاش های طبقه بورژوازی برای کشاندن نارضایتی ها به بن بست نامید کننده، هدف پرولتاریا در برخورد با این اقشار این است که برای آنها روشن کند که هیچ یک از «راه حل های» پیشنهادی سرمایه داری برای پایان دادن به فلاکت و بدبختی شان، به آنها کمکی نخواهد کرد، فقط کمی آرامش برای آنها به ارمغان خواهد آورد. تنها با پیروی از مسیر طبقه انقلابی است که آنها می توانند آرزوها و خواسته های خود را

برآورده سازند، نه به عنوان اقشار خاصی - که از نظر تاریخی محکوم شده اند، بلکه به عنوان اعضای جامعه. چنین دیدگاه سیاسی متضمن سازماندهی و استقلال سیاسی پرولتاریا است، به عبارت دیگر به این معنی است که پرولتاریا همه «ائتلاف‌های» سیاسی با این اقشار را رد می‌کند.

امروزه، ابهاماتی که جنبش مردمی را به بن‌بست می‌کشاند، توهمات مذهبی نیست - به طوری که توده‌های مردم به راحتی می‌توانند چهره خشن و فاسد یک حکومت دینی را ببینند - بلکه بیشتر ایدئولوژی‌های بورژوایی "مدرن" مانند فمینیسم، آزادی و دموکراسی هستند. خطر چنین ایدئولوژی‌هایی بیشتر به این دلیل است که طبقه کارگر به عنوان توده ای از افراد در یک جنبش بین طبقه‌ای حل شود، در اینجا هیچ ظرفیتی برای مقاومت در برابر طرح‌های بازسازی جناح‌های رقیب بورژوازی ندارد. این موضوع در چارچوب بین‌المللی مبارزه طبقاتی مورد تأکید قرار گرفته است، جایی که طبقه کارگر تازه پس از یک دوره طولانی عقب‌نشینی شروع به بیدار شدن کرده است، که در آن فروپاشی روزافزون جامعه سرمایه داری بیش از پیش حس پرولتاریای را از خود به عنوان یک طبقه را از بین برده است.

مبارزه جویی کارگران و فریبکاری‌های چپ‌گرایان

این به معنای انکار این واقعیت نیست که پرولتاریا در ایران دارای سنت طولانی مبارزه مبارزاتی است و وقایع سال‌های ۷۹-۱۹۷۸ میلادی اثبات آن است. در سال ۲۰۱۹-۲۰۱۸ مبارزات بسیار گسترده‌ای در میان کارگران نیشکر هفت تپه، رانندگان کامیون، معلمان و دیگران صورت گرفت و در سال ۲۰۲۰-۲۱، کارگران نفت مجموعه‌ای از اعتصابات مبارزه جویانه سراسری را آغاز کردند. این جنبش‌ها در اوج خود نشانه‌های

روشنی از همبستگی بین بخش‌های مختلف در برابر سرکوب دولتی و فشارهای قدرتمند برای وادار کردن کارگران به بازگشت به کار مواجه بودند، ارائه کرد. علاوه بر این، با ماهیت طرفداری آشکار سندیکا‌های رسمی از رژیم، نشانه‌های مهمی از خودسازماندهی کارگران نیز در بسیاری از این مبارزات دیده شد، همانند کمیته‌های اعتصاب در سال‌های ۷۹-۱۹۷۸، مجامع و کمیته‌های اعتصاب در هفت تپه و اخیراً در میدان نفتی شاهدش بودیم. همچنین شکی نیست که کارگران در حال بحث هستند که در مورد اعتراضات جاری چه کنند و فراخوان‌هایی برای اعتصاب در اعتراض به سرکوب دولتی وجود داشته است. به عنوان مثال در ماه مه ۱۹۶۸ شاهد بودیم که خشم علیه سرکوب دولتی، حتی زمانی که در ابتدا متوجه کارگران نباشد، می‌تواند نوعی نقطه عطف برای ورود کارگران به صحنه اجتماعی باشد، مشروط بر اینکه این کار در زمین طبقاتی با استفاده از روش خود انجام گیرد. اما در حال حاضر به نظر می‌رسد بازتاب خشم و خشونت رژیم در طبقه، تحت کنترل نهادهای اتحادیه کارگری و چپ‌گرایان قرار دارد که تلاش می‌کنند با افزودن خواسته‌های «انقلابی» به شعارهای خود سعی در ایجاد پیوند نادرست بین طبقه کارگر و اعتراضات مردمی به وجود آورند. همانطور که صدای انترناسیونالیستی می‌نویسد:

"شعار «زن، زندگی، آزادی» ریشه در جنبش ملی دارد و فاقد بار طبقاتی است. به همین خاطر است که از راست راست تا چپ چپ این شعار را مطرح می‌کنند و پژواک آن از پارلمان بورژوازی شنیده می‌شود. اجزای این شعار مفاهیم انتزاعی نیستند، بلکه تابعی از روابط تولیدی سرمایه‌داری هستند. چنین شعاری زنان کارگر را سیاهی لشکر جنبش دموکراسی خواهی تبدیل می‌کند. این مسئله برای چپ سرمایه‌داری که با کلام رادیکال از

«انقلاب» صحبت می کند، مشکل ساز می شود، لذا پیشنهاد می کنند که این شعار را باید «نجات» داد با افزودن پسوندهایی و پیشنهادات زیرین را داده اند:

• زن، زندگی، آزادی، اداره شورائی (تروتسکیستها)

• زن، زندگی، سوسیالیسم

• زن، زندگی، حکومت کارگری" [۵]

فراخوانها برای قدرت شورایی حداقل از سال ۲۰۱۸ در ایران جریان داشته است. حتی اگر این درخواست ریشه در تلاش‌های واقعی اما جنینی برای خودسازماندهی در هفت تپه و جاهای دیگر داشته باشد، همیشه اشتباه گرفتن جنین با یک انسان کاملاً بالغ خطرناک است. همانطور که بوردیگا در بحث‌های خود با گرامشی در طول اشغال کارخانه‌ها در ایتالیا در سال ۱۹۲۰ توضیح داد، شوراهای کارگری یا شوراها گام مهمی فراتر از ارگان‌های دفاعی مانند کمیته‌های اعتصاب یا شوراهای کارخانه‌ای هستند، زیرا شوراها حرکتی را به سوی یک مبارزه متحد، سیاسی و تهاجمی طبقه کارگر را بیان می‌کنند و چپ‌گرایانی که ادعا می‌کنند تشکیل شوراها امروز در دستور کار است، کارگران را فریب می‌دهند، با هدف بسیج نیروهای خود برای شکل‌گیری «جناح چپ» حکومت بورژوازی که توسط شوراهای جعلی کارگری "از پایین" تزئین شده باشد.

وظیفه کمونیست چپ

همانطور که صدای اترناسیونالیستی در ادامه می‌گوید:

«برخلاف چپ سرمایه، وظیفه کمونیستها و انقلابیون نه نجات شعارهای ضد دیکتاتوری بلکه ارائه شفافیت در رابطه با منشاء و محتوای چنین شعارهایی است. باز هم برخلاف عوامفریبی‌های چپ سرمایه، فاصله گرفتن از چنین شعارهایی و مطرح کردن مطالبات طبقاتی پرولتری گامی است در راستای پالایش مبارزه طبقاتی.»

این درست است، حتی اگر به این معنی باشد که انقلابیون باید در لحظات سرخوشی «مردمی» برخلاف جریان شنا کنند. متأسفانه، به نظر می‌رسد که همه گروه‌های کمونیست چپ، از برخی فریب‌های رادیکال که به اعتراضات تزریق شده مصون نیستند. در اینجا می‌توان به دو نمونه نگران‌کننده در نشریات گرایش کمونیست انترناسیونالیستی اشاره کرد. بدین ترتیب در مقاله‌ای «صدای کارگران در مورد اعتراضات ایران» [۶]، گرایش کمونیست انترناسیونالیست بیانیه‌هایی را درباره اعتراضات سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، شورای سازمان‌دهی اعتراضات کارگران قراردادی نفت و شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی معلمان ایران انتشار داد. بدون شک این اظهارات پاسخی است به یک بحث واقعی که در محیط‌های کاری در مورد نحوه واکنش به اعتراضات در جریان است، اما اولی و سومی این نهادها پنهان نمی‌کنند که سندیکا هستند (اگر چه ممکن است به عنوان نهادهای طبقاتی واقعی منشاء گرفته باشند، با دائمی شدن آنها تنها می‌توانند کارکرد اتحادیه‌ای داشته باشند) و بنابراین نمی‌توانند نقشی مستقل از جناح چپ سرمایه ایفا کنند، همانطور که گفتیم، حامی استقلال واقعی طبقه را نشان نمی‌دهد، بلکه به دنبال استفاده از قدرت کارگران به عنوان ابزاری برای «تغییر رژیم» است. به موازات این، گرایش کمونیست انترناسیونالیست نیز نمی‌تواند خود را از لفاظی‌های چپ گرایانه در مورد قدرت شوراهای در ایران متمایز کند. از این رو، مقاله «ایران: رقابت‌های

امپریالیستی و جنبش اعتراضی "زن، زندگی، آزادی" [۷] ضمن ارائه مطالب مهمی در رابطه با تلاش‌های قدرت‌های امپریالیستی خارج از ایران برای تقویت اعتراضات، نوید پیگیری آنرا می‌دهد: «در مقاله بعدی، برای تحقق آلترناتیو متفاوت "نان، کار، آزادی، اداره شورایی" استدلال خواهیم کرد، و به مبارزه کارگری و وظایف کمونیست‌ها خواهیم پرداخت و در پرتو آن، دیدگاه‌های انترناسیونالیستی را ترسیم خواهیم کرد.»

اما ما در پتروگراد سال ۱۹۱۷ نیستیم و درخواست در برپایی شوراها در شرایطی که طبقه کارگر با نیاز به دفاع از اساسی‌ترین منافع خود، با خطر حل شدن در اعتراضات توده‌ای مواجه است و همچنین برای دفاع از هر گونه اشکال اولیه خود سازماندهی از بازیابی آن‌ها توسط چپ‌گرایان و اتحادیه‌ها، در بهترین حالت، سطح کنونی مبارزه طبقاتی را به شدت اشتباه می‌گیرد و در بدترین حالت برای جذب کارگران به بسیج چپ سرمایه تلاش می‌کند. کمونیست چپ ظرفیت خود را برای ایجاد یک مداخله واقعی در طبقه با سقوط به سمت توهم دستاوردهای فوری به قیمت اصول اساسی و تحلیل روشن از توازن نیروهای طبقاتی توسعه نخواهد داد.

در مقاله اخیر که در صدای انترناسیونالیستی منتشر شده به این موضوع اشاره شده که در حال حاضر همزمان با اعتراضات خیابانی، تعدادی اعتصاب کارگری در ایران در حال وقوع است:

«در روزهای اخیر ما شاهد تظاهرات و اعتصابات کارگری بودیم که ویژگی مشترک همگی آنها اعتراض به سطح نازل دستمزدها و دفاع از سطح معیشت‌شان بوده است. شعار کارگران اعتصابی ذوب آهن اصفهان «وعده وعید کافیه، سفره ما خالی» انعکاس شرایط سخت زندگی کل طبقه کارگراست. تنها چند نمونه از اعتصابات کارگری که

همان خواسته را داشتند و یا دارند به قرار زیر است: اعتصاب کارگران شرکت ذوب آهن اصفهان؛ اعتصاب غذای کارکنان رسمی نفت، گاز، پالایش و پخش پتروشیمی؛ اعتصاب کارگران مجتمع سیتی سنتر اصفهان؛ اعتصاب کارگران کارخانه سیمان آباده در استان اصفهان؛ اعتصاب کارگران آب معدنی داماش در استان گیلان؛ اعتصاب کارگران شرکت پارس مینو؛ اعتصاب کارگران شرکت صنعتی کروز؛ اعتراض کارگران گروه ملی فولاد» [۸].

به نظر می‌رسد که این جنبش‌ها هنوز نسبتاً پراکنده هستند و در حالی که دموکرات‌ها و چپ‌گرایان فراخوان‌های خود را برای «اعتصاب عمومی» افزایش می‌دهند، منظور آنها از این اعتصاب ربطی به پویایی واقعی نسبت به اعتصاب عمومی ندارد، بلکه یک بسیج است که از بالا توسط اپوزیسیون بورژوازی کنترل می‌شود و با اعتصابات مغازه داران و سایر اقشار غیر پرولتری ترکیب می‌شود. این تنها بر لزوم ماندن کارگران در زمین خود و توسعه وحدت طبقاتی خود به عنوان حداقل مبنایی برای جلوگیری از سرکوب مرگبار رژیم اسلامی تأکید می‌کند.

آموس

نوامبر ۲۰۲۲

یادداشت‌ها:

[۱] تداوم اعتراضات اجتماعی و ورود طبقه کارگر به اعتراضات

[۲] شورش در ایران

[۳] بیانیه جریان کمونیست بین المللی بهمن ۱۳۵۷

[۴] منبع بالا

[۵] تداوم اعتراضات اجتماعی و ورود طبقه کارگر به اعتراضات

[۶] صدای کارگران در اعتراضات ایران

[۷] ایران: رقابت‌های امپریالیستی و جنبش اعتراضی «زن، زندگی، آزادی»

[۸] تداوم اعتراضات، اعتصابات کارگری و اعتصاب عمومی

آدرس وبسایت جریان کمونیست بین‌المللی:

<http://www.internationalism.org>

ایمیل جریان کمونیست بین‌المللی:

international@internationalism.org

آدرس‌های صدای انترناسیونالیستی به قرار زیر است:

وبسایت:

www.internationalistvoice.org

کانال تلگرام:

<http://t.me/intvoice>

ایمیل:

Contact@internationalistvoice.org